

البته بنده هم تصدیق میکنم همیشه شخصی که می خواهد معامله بکند خصوصاً اگر طرف مقابل او که معامله کننده است يك آدم زیرک و بصیری باشد و فروشنده آن اطلاعات کافی را خودش نداشته باشد و مجبور باشد از عمر و زید و اجنبیان تحقیق بکند باید سوه ظن داشته باشد ولی البته باید يك راهی هم فکری کرد که این سوه ظن بالاخره وجه حلی داشته باشد و الا اگر این مسئله را در نظر بگیریم همان طور که فرمودند بهتر این است که این احتکار را خودمان بکنیم و در این صورت برمی گردد بآن نظری که بنده در جواب آقای داور ذکر کردم و بعد آقای زنجانی درست اظهارات بنده را تغییر نکردند - بنده آن شب عرض کردم موافقم با اشتضایک که این عقیده را داشته باشند که ممکن است ما این منابع ثروت را زیر زمین بگذاریم در صورتی که امنیت داشته باشیم برای اینکه امیدوارم و بیش بینی باید کرد که برای ۵۰ سال و چهل سال بعد خودمان آن اطلاعاتی را که از دیگران می خواهیم داشته باشیم آقای زنجانی تصور فرموده بودند که بنده معتزلاً بآقای داور این عرض را کردم ولی مقصود من این بود که یکی از دو کار را باید کرد یا باید آن سیاست را اتخاذ کرد یا اگر آن سیاست را اتخاذ نکردیم و دادن امتیاز را در نظر گرفتیم باید يك وجه حلی برایش پیدا شود که هم از نقطه نظر ماده ششم مقصود انجام پیدا کند یعنی هم مطلب را از عملی بودن خارج نکند و هم جلوی این سوه ظن ها و بیش بینی ها نیاید که برای آتیه می شود بگیرد

رئیس - آقای حاج میرزا علی محمد .

(اجازه)

حاج میرزا علی محمد - در این امتیازنامه می نویسد چاهها بردو قسم است يك چاههای اکتشافی است و يك چاههایی است که از آنها استخراج نفت می شود برای چاههای اکتشافی در این جا فقط يك کلمه اشاره می کند در صورتیکه باید بالصراحه معلوم شود که بطور کامل حفر شده و مایوس شده است از این جا معلوم می شود ممکن است شروع حفر چاه بشود ولی آن چاه بی فایده و بی مصرف باشد بعد از چندی از آن صرف نظر کنند و بچاه دیگری بپردازند در این ماده می گوید در ظرف شش سال اول شروع حفر چاه میکنند و این ۳ چاه ممکن است پس از شروع خاتمه پیدا کند و ممکن است خاتمه پیدا نکند بعد از آن می گوید هر دو سال یکچاه حفر شود گمان می کنم در این عبارت يك اشتباهی شده است زیرا در آن شش سال اولی فقط شروع حفر چاه است و این عبارت می رساند که بعد از شش سال هر دو سال باید یکچاه حفر کند آنوقت حاصل تمام آن می شود ۲۲ چاه نه ۲۵ چاه اگر گفته

بودیم در شش سال اول حفر سه چاه را ملتزم است این عبارت درست بود ولی می نویسد شروع حفر چاه نه حفر چاه ممکن است چاه را بکند و بعد از ده ۱ ذرع معلوم شود بی ثمر است در این صورت نمی شود گفت این چاه نفت است ماده دوم هم دلالت بر این مطلب می کند اگر چنانچه در ظرف ۳ سال چند چاه را حفر کرد و معلوم شد بقدر کفایت ندارد آنوقت می تواند کتباً آنرا بدولت ابلاغ کند از این جا معلوم می شود شروع حفر چاه است نه چاه کامل نکته دیگر این که در همان امتیاز لاقطل میزان ششصد هزار دلار را در ظرف شش یا هشت سال برای مصارف و مخارج معین کرده است این جا اورا هم معین نکرده اند فقط نوشته اند در ظرف شش سال شروع حفر ۳ چاه بنماید ممکن است در خارج دوست هزار تومان برای شروع حفر چاه خرج کرده باشند اینها می گوید ششصد هزار دلار در این مدت باید خرج کند عوض اینکه این ماده بهتر شده باشد بعقیده بنده بدتر از آن ماده سابق شده است و برای دولت ایران لاقطل آن صورت که ششصد هزار دلار خرج کند بهتر از این است که شروع حفر ۳ چاه بکند آنهم معلوم نیست بچه میزان و بچه اندازه باید خرج کند

(بعضی گفتند مذاکرات کافی است) (پیشنهادات بشرح ذیل قرائت شد)

بنده پیشنهاد می کنم دو سطر اول ماده شش این طور نوشته شود صاحب امتیاز باید در ظرف شش سال از تاریخ تصویب امتیاز در بهترین اراضی منتخبه دو چاه حفر نماید .

(اقبال السلطان)

سید فاضل کاشانی پیشنهاد می کند که بجای ماده ۶ راپورت کمیسیون امتیاز همان ماده ۷ پیشنهادی دولت نوشته شود . بنده پیشنهاد می کنم تبصره ذیل ضمیمه ماده (۶) شود

تبصره - صاحب امتیاز مکلف است اراضی منتخبه را ۲۵ سهم مساوی نموده در رأس هر دو سال مازاد آن سهمی که عملیات نفتی در آن شروع شده برای استفاده اتباع ایران آزاد گذارد و در صورتی که دولت بخواهد امتیاز استخراج نفت آن را بخارج دهد صاحب امتیاز حق تقدم دارد و بعد از او بکمیانی های آمریکائی حائز بر داده

بنده پیشنهاد می کنم که بعد از جمله یافت شود نوشته شود صاحب امتیاز پس از تکمیل حفريات هر چاهی پس از ۳ سال حق استفاده از آن چاه ندارد و پس از ۴ سال باید سرچاه را پوشانده و بحال خود واگذارد و نیز باید حفر چاه را در موقعی بکند که مطابق تصدیق متخصصین فنی نفت خیز و قابل حفر چاه باشد

شیخ الاسلام اصفهانی

بنده پیشنهاد می کنم : بجای جمله (و بعد از آن تا مدت انقضای امتیاز) اینطور نوشته شود (و بعد از آن تا مدت انقضای امتیاز عملیات خود را بلا انقطاع تعقیب و امور راجعه به آنرا باید با سرعت لازم تعقیب نماید) مگر آنکه متخصصین فنی تشخیص دهند یا بیش بینی کنند که هایدات کمیانی نسبت بسرمایه و مخارج کمتر از صدی دوازده خواهد بود .

محمد هاشم میرزا

پیشنهاد می نمایم جمله اولی ماده (۶) بترتیب ذیل نوشته شود .

ماده ۶ - صاحب امتیاز باید در ظرف شش سال از تاریخ تصویب امتیاز شروع حفر سه چاه نموده عملیات خود را در سه چاه خاتمه دهد

(حاج سیدالمحققین - علیه محمدالحسینی) این بنده پیشنهاد می کند که ماده ششم بترتیب ذیل نوشته شود :

(صاحب امتیاز باید در ظرف شش سال از تاریخ تصویب امتیاز سه چاه نفت خیز دائر نموده و بعد از آن تا مدت انقضای امتیاز باید عملیات خود را بلا انقطاع تعقیب و در هر دو سال لاقطل يك چاه نفت خیز حفر نماید حفر چاهها و عملیات راجعه بآن را باید با سرعت لازم تعقیب نموده و برضایت دولت بمعنی که کمتر از دو هزار یا نباشد چاهها را حفر نماید مگر اینکه در عمق کمتری نفت بمقدار تجارتي یافت شود چاهها باید همیشه دائر بوده و نفت بدهند و هر گاه یکی از چاهها خشک شود کمیانی متعهد است علاوه بر چاههای موجود فوراً شروع حفر چاه جدیدی کند که جبران چاه خشک شده را بنماید .

هر گاه قیمت نفت در بازار بین المللی تنزل فاحش کند کمیانی می تواند با تصویب وزارت قوایده عامه حفر چاههای جدید را بتعویق اندازد صاحب امتیاز بدولت راپورت ها و نقشه های لازم را تقدیم خواهد کرد که تمام چاههایی را که حفر آنها (الح)

علی اکبر داور

رئیس - بقیه مذاکرات می ماند برای روزخوبه .

دستور هم - اولاً لایحه امتیاز نفت ثانیاً پیشنهاد راجعه بمعلمین حقوق . آقای سلیمان میرزا

(اجازه)

سلیمان میرزا - بنده می خواهم تقاضا کنم چون از قانون استخدام سه چهار ماده بیشتر باقی نمانده اگر آقایان موافقت می فرمایند در جلسه روز شنبه آن چهار ماده هم مطرح و بعد از شور در کلیات آن قانون استخدام تمام شود

رئیس - مخالفی نیست ؟

(اظهاری نشد)

رئیس - جزو دستور می شود

آقای نصرت الدوله (اجازه)

نصرت الدوله - بنده می خواهم عرض کنم چند فقره بودجه است که طبع و توزیع شده و راپورتش داده شده ولی بيك مناسباتی تعقیب نشده مثلاً بودجه وزارت امور خارجه و بودجه عدلیه

بودجه وزارت داخله هم فردا با پس فردا طبع و توزیع می شود می خواهم استدعا کنم بيك وقتی رامثل سابق مخصوص بودجه هامقرر فرمائید که بودجه ها هر چه زودتر بگذرد

رئیس - بودجه وزارت خارجه را وزیر امور خارجه تقاضا کرده اند که بماند و بودجه عدلیه را هم مجلس بکمیسیون مراجعه داده هر وقت لازم دانست جزو دستور می شود آقای اقبال السلطان (اجازه)

اقبال السلطان - عقیده بنده این است که قانون استخدام در جلسه آتیه مطرح شود و بهتر این است که برای جلب عقیده دکتر مجلسیو رئیس کل مالیه فرستاده شود که در اطراف آن قانون مطالعه کند و اگر ...

(همه بین نمایندگان)

(در این وقت آقای اقبال)

السلطان جلوس نمودند)

(مجلس یک ربع ساعت قبل از ظهر ختم شد)

رئیس مجلس مؤتمن الملک

جلسه ۱۷۵

صورت مشروح مجلس

یوم شنبه پنجم ربیع الثانی

۱۳۴۱ مطابق سوم قوس ۱۳۰۱

مجلس دوساعت قبل از ظهر ریاست آقای مدرس نایب رئیس تشکیل گردید صورت جلسه یوم پنجشنبه اول قوس را آقای امیر ناصر قرائت نمودند .

نایب رئیس - آقای محمد هاشم میرزا (اجازه)

محمد هاشم میرزا - اینکه در صورت جلسه نوشته شده است بنده عرض کرده ام صد دوازده نسبت بسرمایه تنها عرضی نکرده بودم صد دوازده نسبت بسرمایه و مخارج خوب است مخارج هم اضافه شود و عرض هم نکرده بودم لایتنقطع کار کند عرض کرده ام منظور که در پیشنهاد نوشته شده است بهمان ترتیب کار کند و فقط عرضم در صد دوازده سرمایه و مخارج بود .

نایب رئیس - آقای آشتیانی

(اجازه)

آقای میرزا ابراهیم آشتیانی - بنده روز پنجشنبه را بواسطه کسالت نتوانستم شرفیاب شوم و شرحی هم بمقام ریاست عرض کرده بودم .

نایب رئیس - آقای دولت آبادی (اجازه)

حاج میرزا علی محمد دولت آبادی - اظهارات بنده راجع بدو مطلب بود یکی راجع به خارج متمادی بود یکی هم راجع به چاهها که مرض کردم اینطور که در قانون امتیاز نوشته شده در ظرف پنجماه سال بیست و پنج چاه حفر نشود زیرا در قانون نوشته شده صاحب امتیاز باید در ظرف هشت سال از تاریخ تصویب امتیاز شروع به حفر چاه نماید و طوری نوشته نشده است که در ظرف شش سال اول سه چاه حفر نماید و ممکن است از بعد شش سال شروع به حفر چاه نماید و وقتی حساب کنیم در مدت پنجماه سال در صورتی که هر دو سال یک چاه حفر کند بیش از بیست و دو چاه نمی شود.

نایب رئیس - دیگر در صورت مجلس ایرادی نیست؟

نایب رئیس - صورت جلسه با این دو فقره اصلاح و تصویب شد. آقای سلیمان میرزا

سلیمان میرزا - چنانچه در جلسه قبل هم مرض آقایان رساندم سه چهار ماده دیگر بیشتر از قانون استخدام باقی نمانده و امروز صبح مخصوصاً کمیسیون استخدام بطور فوق العاده منقذ و تجدید نظری در آن سه چهار ماده شد و چندان طولی هم ندارد و چون نظامنامه های مفصلی از طرف دولت باید راجع با ادارات تدوین شود خوب است این چند ماده تصدیقاً مطرح شود که این قانون زودتر تمام شده و انشاء الله از اول حمل بوقوع اجری گذارده شود و ایرت آتم تهیه شده تقدیم می شود

نایب رئیس - دستور دو چیز است یکی شور در مواد قانون استخدام یکی هم بقیه مذاکرات راجع بنظم حالا که آقایان اجازه فرمودند مواد قانون استخدام مقدم باشد آنرا مقدم میداریم. ماده ۳۱ و ۳۷ و ۷۱ این سه ماده مطرح است آقای نجات

(اجازه)

آقای میرزا محمد نجات - عرض بنده راجع به سؤالی است که از بعضی از آقایان و وزراء کرده ام می خواستم عرض کنم...

نایب رئیس - حالا که آقایان وزراء تشریف ندارند خوب است تأمل فرمایند تا آقایان تشریف بیاورند.

ماده ۷۱ شرح ذیل قرائت شد

۷۱- مواد این قانون شامل مستخدمین ادارات هیئت های هوری و ادارات اجتماعی مانند بلدی خواهد بود

نایب رئیس - شاهزاده سلیمان میرزا موافقت؟

سلیمان میرزا - بلی

نایب رئیس - آقای آقا سید یعقوب (اجازه)

آقا سید یعقوب - بنده خواستم یکی از آقایان اعضاء کمیسیون توضیح بدهند که درست مطالب این ماده را ملتفت شوم مخبر - در ماده ۷۱ سابق نوشته شده بود مواد این قانون شامل مستخدمین اداره هیئت های هوری و ادارات اجتماعی مانند بلدی خواهد بود و به آن ترتیبی که آنجا نوشته شده بود اعضاء ادارات مجلس شورای ملی را هم شامل میشد و راجع به مجلس شورای ملی آقای ارباب کیخسرو پیشنهادی کردند و خودشان هم در کمیسیون حاضر شده و پس از مذاکرات زیاد بنامد چنانچه در سایر پارلمانها هم معمول است که يك قانون مخصوصی راجع با اعضاء ادارات مجلس شورای ملی را استثناء کردیم قانونی بجهت آن در هیئت رئیس نوشته شده و به مجلس بیاید فقط همین مسئله بماده ۷۱ سابق اضافه شده

نایب رئیس - آقای تدین (اجازه)

تدین - اقلاً می بایستی این مواد طبع و توزیع شود که کاملاً مسبقاً خوب برای آنکه ابتدای این ماده را که خوانند و به آرش که رسیدند بنده اولش را فراموش کردم بملاوه بنده هیچ همتی نمی بینم که اعضاء ادارات مجلس شورای ملی را از این قانون استثناء کنند عقیده آقایان این باشد که چون این ادارات تعلق بیک مؤسسه شوروی ملی است و باید قوانین ادارت را هم خودش بویسد و این نظر صحیح نیست زیرا موسسات شوروی غیر از مجلس شورای ملی هم داریم انجمن های ایالتی و ولایتی و بلدی هم جزو مؤسسات اجتماعی است و تصور می کنم اگر مجلس شورای ملی را استثناء کرده و بخواهیم از قوانین دیگری برای اعضاء ادارات مجلس شورای ملی بویسیم جز تصویب وقت فایده دیگری نداشته باشد نهایت چیزی که هست نواقصی که در قانون راجع با اعضاء ادارات مجلس شورای ملی هست آنرا باید مرتفع ساخت و الا مستثنی کردن اعضاء ادارات را از این قانون مورد ندارد

نایب رئیس - این ایراد را که آقای تدین راجع به طبع و توزیع فرمودند بعد از اینکه رای داده شد که داخل در مذاکره شویم تصور می نمودم که در آنجا به علاوه از همان نزدیک است شاهزاده سلیمان میرزا (اجازه)

سلیمان میرزا - نظام نامه داخلی مجلس مفید است که مجلس می تواند خیلی از اویج دولت را بدون مراجعه به کمیسیون درخواه مجلس مطرح نموده و در آن رای

بدهد و این ماده هم چنانچه ملاحظه میفرمائید چیزی به آن ضمیمه نشده است که محتاج به طبع و توزیع باشد.

زیرا این ماده همین سابق هفتاد و یکم فقط چیزی که اضافه شده این است که این قانون شامل اعضاء ادارات مجلس شورای ملی نیست حالا چرا ما قائل شدیم که اعضاء مجلس شورای ملی مستثنی باشد؟ در کمیسیون آقای ارباب کیخسرو هم تشریف آوردند و پس از مطالبات زیاد دیدیم حقیقتاً نمیتوان قائل شد که این قانون شامل اعضاء ادارات مجلس شورای ملی هم باشد و اینطور هم نیست که اگر اعضاء ادارات مجلس را مستثنی کنیم نسبت با آنها تعدی شده باشد خیر برای رعایت حال آنها است زیرا اعضاء ادارات مجلس هم مثل معلم هستند اگر سی سال در یک مدرسه کار بکنند ارتقاء رتبه برای آنها نیست زیرا معلم ابتدائی پس از مدتی تدریس نمی توان گفت که باید معلم هندسه و جغرافیا بشود ولی زحمتش را کشیده است و اگر بنا باشد این قانون شامل حال معلمین مدارس بشود در حقوق تقاعد و سایر حقوقی که در این قانون ذکر شده برای آنها ضرر است زیرا پس از بیست سال خدمت وقتی که میخواهد تقاعد شود بایستی همان سی تومان حقوقش را حساب کنند و بهمان تناسب باو حقوق تقاعد بدهند و این ترتیب برای آنها ضرر دارد بنابراین معلمین را استثناء کردند که بعد برای آنها يك قانون بهتری که برای آنها ضرر نداشته باشد نوشته شده و اینطور مثل میزان آقایان تند نویسی را که اینجا نوشته اند و بواسطه مذاکرات طولانی ما همیشه در زحمت هستند آیا اینها می توانند ترفیع و ارتقاء رتبه پیدا کنند؟

خیر بملاوه این آقایان مدتی است زحمت کشیده و ترتیبات تند نویسی را آموخته اند و موافق این قانون در موقع تعطیل مجلس می خواهند این قانون را خارج کنند و يك عده دیگری را بیاورند مدتی طول خواهد کشید تا آن عده جدید بتوانند ترتیبات تند نویسی را بیاموزند و موافق ترتیباتی هم که در قانون استخدام ذکر شده ترفیع رتبه هم که نمی توانند پیدا کنند مثلاً فرض فرمائید مطابق قانون استخدام یکی از منشی های مجلس پس از سه سال باید مدیر شعبه یا دایره بشود آیا چنین معالمانی در مجلس داریم و اگر هم بگوئیم موقمی که بنا است ترفیع رتبه با آنها داده شود برون در ادارات دیگر این هم نمی شود زیرا در هر اداره يك شرایط اختصاصی ما قائل شده ایم که یکی از شرایط ورود در آن ادارات است و حالا مثلاً معاون اداره مباشرت مجلس که مدتها زحمت کشیده و از روی درستی و صداقت خدمت کرده آیا می تواند بدون وادار بودن شرایط اختصاصی

وزارت خارجه در آنجا داخل شود؟ خیر همینطور در وزارت داخله بدون شرایط اختصاصی آنجا می تواند در آنجا داخل شود؟

خیر همینطور تمام اعضاء ادارات مجلس را وقتی دقت کردیم دیدیم اگر بنا باشد این قانون مشمول آنها بشود تولید زحمه می کند باین جهت آنها را مستثنی کردیم تا قانون علی حده برای آنها نوشته شود که هم رفع تعدی از آنها شده باشد و هم بتوانند ارتقاء رتبه پیدا کنند و وقتی هم متقاعد شدند بتوانند حقوق تقاعدشان را دریافت نمایند و بنامد قانون راجع با اعضاء ادارات مجلس در هیئت رئیس با ترتیباتی که عرض کردم به مجلس پیشنهاد شد و در آن رای بدهیم منتهی موادی که در قانون استخدام شامل حال اعضاء ادارات مجلس خواهد بود و هر ماده قانون استخدام که مناسب حال آنها بشود ماده جدیدی اضافه خواهند کرد چنانچه قانون راجع به معلمین هم عن قریب به مجلس آمده و بضمیمه قانون استخدام مجلس در آن رای خواهد داد همین طور قانون راجع به قضات را دیدیم اگر بخواهیم منتظر شویم تا قانون راجع با اعضاء ادارات مجلس و قانون راجع به معلمین هم به مجلس آمده و بیک مرتبه به مجلس آمده و بیک مرتبه در آن رای بدهیم طول خواهد کشید باین مناسبت فعلاً اعضاء ادارات مجلس شورای ملی را مستثنی کردیم که از طرف هیئت رئیس قانونی راجع با آنها پیشنهاد شده و بآن رای بدهیم و راجع سایر ادارات اجتماعی مثل انجمن های ایالتی و بلدی بالآخره ادارات آنها را هم می شود بوزارت داخله و آنها از طرف وزارت داخله می نویسند ترفیع رتبه پیدا کنند و در حق آنها تعدی نخواهد شد ولی چون اجرای قانون استخدام درباره اعضاء مجلس شورای ملی تعدی خواهد بود باین جهت آنها را مستثنی کرده تا درباره آنها تصمیم علی حده گرفته شود.

نایب رئیس - آقای کارزونی (اجازه)

کارزونی - در این قسمت که نوشته شده وظایف راجع بوزراء را نسبت ببولد این قانون رؤسای هیئت های شوروی و اجتماعی انجام خواهند داد خواهش میکنم این را توضیح بدهند که مقصود از این عبارت چیست؟

مخبر - وظایفی را که بوزراء بزرگ مستخدمین معین می کنند که چه بکنند و چه نکنند در ادارات شوروی رؤسای ایالتی آن وظایف را معین خواهند کرد مثلاً در ادارات غیر شوروی کسی را بخواهند عزل یا نصب بکنند شخص وزیر مراجعه میکند ولی در ادارات شوروی مثل انجمن ایالتی بر رئیس اداره مراجعه می کنند.

نایب رئیس - آقای ارباب کیخسرو (اجازه).

ارباب کیخسرو - موافقت

نایب رئیس - آقای دولت آبادی (اجازه)

حاج میرزا علی محمد دولت آبادی - موافقت

نایب رئیس - آقای مساوات (اجازه)

مساوات - موافقت

نایب رئیس - آقای تدین (اجازه)

تدین - اولاً حضرت والا شاهزاده سلیمان میرزا تا اندازه ملاحظه کردند و خواستند بگویند مطرح شدن این قانون جزو امور فوری است در صورتی که اینطور نیست برای مسائل فوری بایستی تقاضای فوریت بشود آنهم با ترتیبات مخصوصی و این قانون از قوانین هادی و چند ماده است که در مجلس مطرح است و باین دلیل بایستی طبع و توزیع شود بر می گردد بفرمایش آقای مدرس ایشان فرمودند

و چون مجلس رای داد که داخل در مذاکره هوریم لدا طبع و توزیع ندارد و به عقیده بنده اینطور صحیح نیست زیرا تمام ما مکلفیم که در هر حال و در هر جا رعایت نظامنامه را بکنیم و اگر بنا شود در يك حاستیکی بنظام نامه شده در جای دیگر افعال مجلس را محمل نگاه قرار داده رعایت بکنیم يك بام و دو هوا می شود اگر بنا باشد ما عمل مجلس را محمل مؤثر بدانیم بایستی نظام نامه را بگذاریم در يك گوشه و ابداً بآن مراجعه نکنیم نظام نامه داخلی می گوید

مساوای که در مجلس مطرح می شود با استثناء امور فوری باید بیست و چهار ساعت قبل طبع و توزیع شده تا هر يك از نمایندگان در آن مطالعه و دقت کنند و حالا می فرمایند چون شاهزاده سلیمان میرزا پیشنهاد نمود و مجلس هم قبول کرد و دیروز هم مذاکره شده بود که جزو دستور شود باین جهت طبع و توزیع لازم ندارد و بعد می فرمایند چرا قبلاً نگفته اید اولاً آنوقت بمن اجازه رسید تا باین اخطار نظام نامه راهم موقمی می توان کرد بنده عرض میکنم چون ما باید مطابق نظام نامه داخلی رفتار کنیم بایستی تمام این ماده قبل طبع و توزیع شود تا بتوانیم در آن مطالعه و دقت کنیم بنده مخالف با اساس این ماده نیستم ولی عرض میکنم از آقایان سؤال کنید يك مرتبه بیشتر این ماده خوانده نشده حکام يك از آقایان مضمون آن در خاطرشان هست جمله اخیر این ماده که خوانده میشود جمله اولی فراموش میشود در این صورت هر چه در این موضوع خواهد بود و بدون جهت خارج از موضوع خواهد بود و بدون جهت وقت مجلس تلف میشود باین بوده عقیده بنده.

نایب رئیس - مقصود بنده این بود

دیروز که بنا شد این مسئله جزو دستور گذارده شود آنوقت چرا اظهار نکردید و همینطور امروز اول جلسه...

تدین - بنده حاضر نبودم.

نایب رئیس - بملاوه هر موضوعی را که اکثریت مجلس رای داد مقدم بر نظام نامه است.

آقای کارزونی (اجازه)

کارزونی - بیاناتی را که آقای مخبر فرمودند بنده چنین تصور میکنم که وافی نیست گرچه کاملاً تمام فرمایشات حضرت عالی را ضبط نکردم که تمام جزئیاتش را با عبارتی که در اینجا نوشته شده تطبیق کنم لکن جواب آن اندازه را که فهمیدم عرض میکنم می گوید وظایف راجع بوزراء یعنی وظایف خود وزیر یا وظایفی که برای مستخدمین باید معین شود یا وظایف هر دو یعنی عبارتی یکی از این دو تا است اگر این است با آن عبارتی که فرمودند موافقت ندارد و عقیده بنده است.

مخبر - در این مواد برای وزراء وظایفی معین شده مثلاً عزل فلان عامور یا وزیر است ولی در اداراتی که وزیر ندارد مثل بلدی و هیئت های شوروی و وظایف وزیر را رؤسای آن ادارات انجام خواهند داد.

(جمعی گفتند کافی است)

نایب رئیس - رای می گیریم باصل ماده قرائت می شود.

ماده ۷۱ مجدداً شرح قبل قرائت شد

نایب رئیس - آقایان کی با این ماده موافقت فرمایند.

(اغلب قیام نمودند)

نایب رئیس - تصویب شد. ماده ۳۷ قرائت می شود.

(بشرح ذیل قرائت شد)

هر گاه در اثر تصفیرات ادارات مستخدمین خسارات مالی ب دولت و یا افراد مردم متوجه شود مقصر باید از هدهده خسارات وارده بر آید ولی رسیدگی باین قبیل دعاوی از صلاحیت مجلس تعقیب و محاکم اداری خارج و مادام که محاکم اختصاصی دیگری برای رسیدگی باین دعاوی تاسیس نشده راجع به محاکم عدلیه خواهد بود.

نایب رئیس - آقای حاج شیخ اسدالله (اجازه)

حاج شیخ اسدالله - اساساً گرچه در ضمن قانون شورای دولتی تکلیف محاکم مستخدمین دولت معلوم خواهد شد لیکن باز بنده ماضی نمی بینم تا زمانی که قانون شورای دولتی نگذشته در این ماده

قانون چیزی نوشته شود و در ضمن محاکم اداری تکلیف دعاوی مردم را معین کنند ضمناً در اینجا قید شود که تا زمانی که قانون شورای دولتی نگذشته این ماده بحال خود باقی است ولی بعد از آنکه قانون شورای دولتی از مجلس گذشت این ماده بلا اثر خواهد بود ولی الان در این قانون تکلیفی به هیچوجه برای تجاوزاتی که از طرف مستخدمین نسبت با افراد مردم می شود معین نشده و تا زمانی که قانون شورای دولتی از مجلس نگذشته معلوم نیست تکلیف مستخدمین را چه در حین انجام وظیفه اداری از حدود خود تعطف کرده و مردم تعدی کند چه خواهد بود معلوم نیست بعد از آنکه باید برود یا مشاوره اداری باید باینکار رسیدگی کند هیچکدام معلوم نیست این ماده هم که حذف شده و قانون شورای دولتی هم که هنوز نگذشته بنابراین بنده به هیچوجه با حذف این ماده موافق نبوده و معتقدم بطوری که آقایان پیش نهاد کرده اند این ماده نوشته شود منتهی در آخر ماده خوب است اضافه شود پس از اینکه قانون شورای دولتی از مجلس گذشت این ماده بلا اثر خواهد بود و تکلیف این قضایا را همان قانون شورای دولتی معین خواهد کرد.

مخبر - اقلاً کمیسیون این ماده را مسترد داشته و گمان ندارم مطرح بشود تا بیا برای توضیح مطلب عرض میکنم که حقیقتاً این مسئله راجع بعمل اداری نبوده و این مسئله در قانون محاکمات اداری منظور است یعنی تصفیراتی که راجع بعمل اداری از او صادر شود تکلیف محاکمات معین یا مجازاتش در آنجا معین خواهد شد قید آن در اینجا صحیح نبوده منتهی ما نظرها آمد که اگر در ضمن تعقیقات تصفیر اداری چیزی کشف شود یا ادعای حقوقی نسبت به مستخدم بشود بکجا باید رجوع شود؟

اینکه داخل قانون استخدام نیست برای این که اداره حق ندارد بدعوی حقوقی رسیدگی کند و این از وظایف شورای دولتی خواهد بود

لذا ما چون دیدیم این مطلب اسباب زحمت خواهد شد این ماده را حذف کردیم علاوه بر این آیا می فرمایند تا وقتی که قانون شورای دولتی از مجلس بگذرد تکلیف مردم چیست؟

اولاً - تا بحال چه می کردند حالا هم ممکن است همان کار را بکنند تا باین قانون از اول حمل بموقع اجرای گذارده خواهد شد و تا آنوقت هم قانون شورای دولتی از مجلس خواهد گذشت و اگر در اینجا فقط اختیار را ما در یک چیز باین محاکم اداری بدهیم ممکن است در ضمن محاکمات يك مسائل دیگری هم

پیش بیاید باین معنی که ممکن است این محاکم یکی را محکوم کند و دیگری را تبرئه کند و چون اصولاً اسباب زحمت می شد این ماده را حذف کردیم

نایب رئیس - آقای حاج میرزا مرتضی (اجازه)

حاج میرزا مرتضی - همان طور که آقای حاج شیخ اسدالله فرمودند بکلی پس گرفتن این ماده به هیچوجه منصفه و معنی ندارد و جوابی هم که آقای مخبر دادند واقعا جواب غریبی بود برای این که تا حالا چه می کردند حالا هم همان کار را بکنند و معلوم نکردند که اگر در ضمن محاکم معلوم شد مستخدم تعدی بکسی کرده تکلیف آن مدعی چیست و در کجا احقاق حق او خواهد شد آیا در همین محاکم احقاق حق او می شود یا در جای دیگر اگر بنا شود همان کار را کرد قدیم می کردند حالا هم بکنند دیگر نوشتن قانون ضرورت ندارد و همان طور که آقای حاج شیخ اسدالله فرمودند بنده هم عقیده دارم که این ماده را باقی بگذارند تا وقتی که قانون شورای دولتی نوشته شده و از مجلس بگذرد آنوقت این ماده را لغو کنند

نایب رئیس - آقای سلیمان میرزا (اجازه)

سلیمان میرزا - اقلاً کمیسیون این ماده را پس گرفته است ولی آقایان اگر بخواهند می توانند ابقاء آنرا پیشنهاد کنند چنانچه آقای آقا سید فاضل هم می فرمایند ابقاء آنرا پیشنهاد کرده اند ولی آقا ضمناً باید بدانند که پس از آنکه پیشنهاد کردند آنوقت تازه مطابق نظامنامه داخلی غیر از اعضاء کمیسیون دیگران نمی توانند در آن حرف بزنند و در این پیشنهاد آقای آقا سید فاضل بنده چون اعضاء کمیسیون هستم نمی توانم حرف بزنم در هر حال بنده علت این که کمیسیون این ماده را پس گرفته است عرض می کنم و آقایان آقا سید فاضل و حاج میرزا مرتضی هم خوب است در این همتی که عرض می کنم دقت فرمایند اینکه می فرمایند در ضمن تصفیر اداری اگر ترتیباتی پیش بیاید و تعدیات مستخدم کشف شود چه باید کرد و تکلیف مدعی چه خواهد بود؟

(ای خدا اگر ما الان این قانون رایس بگیریم چه خواهد شد؟)

و این ظلم را بکجا خواهیم برد؟

گویا آقایان فراموش فرموده اند که این قانون از اول حمل پس از نوشته شدن نظامنامه ها بموقع اجری گذارده خواهد شد

پس خواه این ماده باشد خواه نباشد اثری در تصدیقات مستخدمین و حقوق اشخاص نخواهد داشت و نفی و اثبات این ماده علی السویه است و چون قانون شورای دولتی تمام و حاضر شده و اگر آقایان جزو دستور فردا قرار دهند قبل از حد تمام خواهد شد و تکلیف این مظلومین کمی فرمایند چه خواهد بود معلوم خواهد شد لاجرم و اثبات این ماده همانا از روی نخواهد داشت و اگر ما این ماده را فعلاً باقی بگذاریم البته در آن موقع که بقانون شورای دولتی رأی می دهند بطبعاً این ماده لغو خواهد شد در این صورت ما دیدیم که اگر قانون شورای دولتی بگذرد این اشخاص زودتر بحق خودشان خواهند رسید تا در اینجا زیرا در آنجا این مواد بطور روشن تر و ا کامل نوشته شده و در قانون شورای دولتی مطالبات کامل شده آقایان نصرت الدوله رئیس کمیسیون شورای دولتی هستند و مدرس و حاج شیخ اسدالله در کمیسیون تشریف داشته و چون دیدیم عین این مواد در قانون شورای دولتی کاملاً نوشته شده و در موقع خود رأی خواهند داد دیگر وجود این ماده را لازم ندیدیم حالاً اگر آقای آقا سید فاضل که یکی از پیشنهاد کنندگان هستند باین توضیحات بنده قانع شدند که هیچ والا مطابق قانون حق دارند پیشنهاد کنند

آقا سید فاضل - بفرمائید
نایب رئیس - بفرمائید
آقا سید فاضل - این ماده دو جهت را شامل است یک قسمت معاً که اداری مستخدمین دولت است نهایت این است که در ضمن ماده بعد از مذاکرات زیاد در هور اول بنشیند که اگر مستخدمین در عین انجام وظیفه یک تمهیداتی و مطالبی برسد و از دوسه کشف شد یا خود مستخدمین اقرار کرد یا در صورتی که متظلم حکمت این معکه اداری را قبول کند و در این سه مواد معکه باید آن ظلمی را که بآن شخص شده جبران کند این بود که بنده پیشنهاد کردم این ماده بجای خود باقی باشد و حقیقتاً دست برداشتن بخیال موهوم از این ماده در این قانون استعدای که باین طول و تفصیل و با یک نظریات وافی نوشته شده می - گذرد صحیح نیست و قانون شورای دولتی هم متعرض این ماده نخواهد بود و این قانون هم بعد از ماده ۳۷ یک ماده معکه معاً که اجزاء اداری را شامل باشد واجد نیست پس شایسته نیست که در یک همچو قانونی یک ماده راجع به معاً که اجزاء ادارات نباشد و خوب است در حق مستخدمین اداری و مردم تفضل بفرمائید و عبارات و متوقفاً این ماده را با این اصلاح که این معکه معکه اداری است و حقوقی نیست

در این قانون ابقا کنند نهایت در آن سه مورد که بنده عرض کردم یکی در موقعی باشد که در ضمن معاً که اداری تمدی و اصحاب مستخدم از دوسه کشف شود تا بنای اینکه خود مستخدم مراتب را اقرار کنند تا آنوقت که مدعی حکمت آن معکه را قبول کند که هر چه این معکه اداری داد قاطع دعوی باشد و در اینصورت تصور می کنم که بهتر حفظ حقوق مردم شده باشد و البته وقتی که در قانون شورای دولتی این مطلب جامعتر و واضحتر نوشته شد این ماده بطبعاً لغو خواهد شد این است که بنده جداً از آقایان اعضاء کمیسیون تقاضا می کنم بر مردم ترحم فرموده و این پیشنهاد بنده را در ابقا این ماده قبول فرمائید

نایب رئیس - آقای مساوات (اجازه)
مساوات - جهت اینکه کمیسیون این ماده را استرداد داشت این بود اقتلا آقایان خیلی میل دارند این مطلب اینجا نوشته شود بنده هم بدو طرفدار این مسئله بودم ولی بعد دیدیم که آقایان يك کاری می خواهند بکنند که صحیح نیست زیرا دیدیم که اگر بخواهیم رسیدگی مسائل حقوقی را بمعکه اداری واگذار کنیم این معکه اداری که معاً که اداری نیست معکه قضائی می بایستی در امور حقوقی مداخله کند چنانچه خودتان در مسئله جزائی رأی دادید که معاً که اداری بجای معاً که اداری شود اما در مسئله حقوقی اینطور پافشاری می کنند که معاً که اداری رسیدگی کند و چون باید در موقع قانون گذاری تمام اطراف مسئله را ملاحظه کرد از این جهت عرض می کنم اینکار غلط است و نبودن این مسئله در قانون استخدام بهتر از بودن آن است که قوه مجریه را در امور قضائی دخالت بدهیم این بود که کمیسیون صلاح ندانست و این ماده را حذف کرد و در قانون شورای دولتی این مسئله بطور کامل نوشته خواهد شد

آقا سید فاضل - حالاً که آقایان مغالفت می کنند بنده اصراری ندارم و پیشنهاد خود را پس می گیرم
نایب رئیس - ماده ۳۱ قرائت می شود
(بمضمون ذیل قرائت شد)
برای رسیدگی بتصدیقات اداری و تعیین مجازات مستخدمین مجلس تحقیق و معاً که اداری در تحت نظرو زیربیا معاون او تشکیل می شود مجلس مزبور مرکب خواهد بود از سه نفر از اعضاء وزارت متبویه مستخدم مظلون اهم از متصدیان خفل و یا منتظرین خدمت مشروط بر اینکه رتبه آنها از رتبه مظلون کمتر نباشد و در صورت عدم کفایت عده اعضاء لازمه در خود وزارت خانه با رعایت شرط مزبور فوق از اعضاء

وزارتخانه دیگر تکمیل می گردد
مغیر - بنده برای اینکه آقایان مسبوق شوند لازم است توضیحی عرض کنم چون همه آقایان قبول داشتند که اعضاء سه نفر باشند در مجلس معاون وزارت مالیه تقاضا کرد این سه نفر را پیشنهاد کنند و در اینجا مذاکرات شد و قبول نکردید این بود که برگشت بکمیسیون و کمیسیون هم همان سه نفر را تصویب کرد
نایب رئیس - رأی می گیریم بماده ۳۱ آقایانی که تصویب می کنند قیام فرمائید
(عده کثیری قیام نمودند)
نایب رئیس - تصویب شد
ماده الحاقیه آقایان فیوضات و معتدالتجارت در کمیسیون قابل توجه نگردیده قرائت می شود
(بمضمون ذیل خوانده شد)
ماده الحاقیه آقایان فیوضات و معتدالتجارت در کمیسیون مطرح و مورد تصدیق واقع نگردید
نایب رئیس - آقای سلیمان میرزا (اجازه)
سلیمان میرزا - پیشنهاد آقایان این است .
ماده الحاقیه - برای رسیدگی بدوسه اعمال گذشته مستخدمین که در موقع اجرای این قانون مطابق ماده ۶۶ مستخدم رسمی محسوب خواهند بود کمیسیون در تحت نظر مجلس شورای ملی در خارج تشکیل می شود و پس از تصدیق این کمیسیون رسمیت مستخدمین مذکور تعیین خواهد شد
لکن چون کمیسیون این پیشنهاد را عملی ندانست قبول نکرد
نایب رئیس - در این خصوص کسی مخالف نیست
(اظهاری نشد)
نایب رئیس - ماده الحاقیه راجع بملبوس و وطنی مستخدمین مطرح است و برای استحضار آقایان هم عرض می کنم که بعضی نوشتهجات هم از طرف اشخاص متفرقه راجع باین موضوع رسیده است که این مسئله قابل اجراء است
قسمت اخیر ایرت کمیسیون راجع باین موضوع شرح ذیل قرائت شد
پنجم راجع بماده الحاقیه نسبت به ملبوس مستخدمین کمیسیون استخدام چون این ماده را مناسب با ماده استخدام نمی داند لهذا با ماده موافق نبوده و راجع به مجلس می نماید
(مغیر کمیسیون استخدام زنجانی **نایب رئیس** - آقای کازرونی با پیشنهاد موافقت ؟
آقای میرزا علی کازرونی - بلی
نایب رئیس - آقای حاج اسدالله

موافقت با مخالف ؟
حاج شیخ اسدالله - بنده باز موافقت .
نایب رئیس - آقای آقا سید فاضل بطور .
آقا سید فاضل کاشانی - بنده خیلی سخت موافقت .
نایب رئیس - آقای جلیل الملک ؟
جلیل الملک - مخالفم
نایب رئیس - بفرمائید
جلیل الملک - البته همه ما هوار هر فرد ایرانی مایل است که امتعه و منسوجات ایرانی رواج یافته و محل احتیاجات داخله و خارجه بشود در این مسئله ابعاد آترویدی نیست ولی در موقع قانون گذاری باید تمام اطراف و جوانب را باید ملاحظه کرد و مرادی را که تصویب می کند باید با قانون یک مناسباتی داشته باشد و بنده از چندین جهت باین مسئله مخالفم
اولاً در این معیت وارد نمی شوم اینکه هنوز منسوجات ایرانی وطنی برای البسه مکفی نیست برای این که خود آقایان هم که ملبس بلباس داخله نیستند باین ملاحظه است که می دانند هنوز البسه وطنی بقدر کفایت برای مردم نیست دیگر اینکه این قانون فصل اول شرایط استخدام را معین می کند آیا این ماده الحاقیه راجع به منسوجات وطنی در جزو این فصل است ؟
یکی از شرایط استخدام تبعه ایران بودن و دیگری دارای فلان مقدار معلومات بودن است آقایان می خواهند جزو کدام از شرایط این ماده را قرار دهند ؟ آیا جزو تکالیف است یا شرط استخدام است ؟ زیرا ممکن است يك نفر مستخدم در موقعی که می خواهد داخل در استخدام شود فلان لباسش را دارا باشد و بعد که وارد شد لباس را بپوشد چون جزو فصل اول محسوب می دارند و فصل دوم هم ارتقا رتبه است فصل سوم حقوق تقاعد است اینهم وظایف تقاعدی است هیچ ربطی ندارد فصل چهارم هم معکه مجازات و مکافات است این هم ربطی ندارد فصل پنجم از مواد استعجاله است که مامورین امروزه وارد و مشمول باین قانون بشوند و این هم يك ماده نیست که مربوط بکارها باشد پس بنده هر چه فکر کردم و در کمیسیون مذاکره نمودم دیدم مربوط به هیچ يك از اینها نیست اشکال دیگر هم این است که از چه نقطه نظر این قانون وضع میشود لابد آقایان در جواب خواهند فرمود از نقطه نظر اینکه از بیت المال مسلمین و از خزانه دولت حقوق می گیرند لهذا مجبورند لباس وطنی بپوشند احساسات حب وطن مربوط به قانون گذاری نیست بنده عرض می کنم اگر مقصود بول گرفتن است

چرا این ماده پیشنهادی منحصر بمستخدمین دولت باشد باید شامل تمام اشخاصی باشد که از بیت المال مسلمین حقوق می گیرند مثلا وزیر که ماهی هزار تومان می گیرد نباید مکلف باشد که لباس وطنی بپوشد و آن ثبات که ماهی سی تومان می گیرد بایستی حتماً لباس وطنی استعمال کند در هر صورت بنده عقیده ام این است که اگر از نقطه نظر این است که از خزانه دولت پول می گیرند بنده پیشنهاد می کنم که عموم اشخاصی که از خزانه دولت حقوق یا شهربانی بهر عنوان می گیرند حتی شخص سلطان هم که پول از خزانه دولت می گیرد بایستی لباس وطنی استعمال کند و این مسئله یکی از شرایط بول گرفتن باشد و این پیشنهاد يك لایحه قانونی می شود که همه رای باید بدهیم ولی منحصر نکنیم به مستخدمین بچهاره کادر اداره مشغول زحمت است اگر کفش او ایرانی نباشد مورد اعتراض باشد ولی فلان شخص بیکار که در ماه سیصد تومان از دولت حقوق می گیرد نباید کفش او ایرانی باشد و باید اشخاص را که حتی الامکان از خزانه دولت عموماً بلااستثناء حقوق می گیرند در تحت يك لایحه عمومی قید کنند که تمام باید لباس وطنی استعمال کنند و باین لحاظ بنده در کمیسیون هم مخالف بوده و قبول نگردیدم این شرط را برای یکمده بکنیم در صورت که میتوان آن شرط را بسایرین هم تعمیم کرد .
نایب رئیس - آقای کازرونی (اجازه)
آقای میرزا علی کازرونی - بنده از اظهارات آقای جلیل الملک نه تنها مغالفتی ندیدم بلکه بوی موافقت هم استشمام کردم فرمایش ایشان این است که چرا این قانون شامل حال دیگران نباشد بنده هم با فرمایش ایشان موافقت می اشخاص که از خزانه دولت ارتزاق می کنند اسباب خرابی مملکت را ایجاد نکنند چطور خرابی را ایجاد نکنند عرض میکنم بجهت اینکه امروز اقتصاد بیکانه راه حیات و برقراری ملل واقع شده هر ملتی که احتیاجش کمتر است حیاتش و ثروتش بیشتر است امروز يك ملاحظه و مراجعه بفرمائید واردات ما نسبت بصادرات می بینند که ما باید واردات را بکلی ترك کنیم نه تنها نظر بمستخدم داشته باشیم بلکه بنده چنین تصور می کنم که این مسئله بهترین وسیله است که اشخاصی که دارای مقام عالی و سمت مهمی هستند لباس وطنی بپوشند و این سبب می شود که منسوجات وطنی کم کم طایب و خریداری پیدا می کند و مردم را وارد می نماید بصحیل کارخانه ریسان بافی و پیشمیرسی که خودشان لباس تهیه کنند که کم کم کمر رفع احتیاج از خارجه شده باشد نهایت این است که آقای جلیل الملک فرمودند که

پیشنهاد می کنند سایرین هم همینطور باشند من هم استدعا میکنم کخیلی زودتر باین امر مبادرت کنند که ما هم با کمال امتنان مبادرت باخذ عقیده ایشان خواهیم نمود و لکن عجالاً چون قانون استخدام مطرح است مانعاً الجمع نیست که با پیشنهادی بدهیم و در موقعش پیشنهاد عمومی بشود در آن رای می دهیم و اعضاء معترم کمیسیون هم با مادر این قسمت موافقت خواهند نمود و يك موقعیت فوق العاده برای ترویج منسوجات وطنی بر ما پیدا خواهد شد بعضی از آقایان اظهار فرمودند که تهیه منسوجات بقدر کفایت برای ما ممکن نیست بنده عرض می کنم و اطمینان می دهم که اگر خریدار باشد هم ارزان تروهم بقدر کفایت از منسوجات وطنی داریم و اگر تصور می فرمائید که بخلاف و افراق عرض می کنم تشریف ببرید بی بازار منسوجات یزد و اصفهان و کرمان و سایر نقاط را به بینند و مقایسه کنید با منسوجاتی که از از خارجه می آورند آن وقت تصدیق خواهید فرمود هم دوامش بیشتر است و هم قیمتش ارزان تر است و نزدیک باقتصاد همه است و هم اهلی دارد و هم وسط .
آقای جلیل الملک فرمودند که این ماده با سن مستخدم و لباس مستخدم مناسبت ندارد بنده هم عرض می کنم سن مستخدم با علم او مناسبت ندارد و باید سن مستخدم را هم حذف کنیم و همچنین علم و سایر شرایط را هم باید حذف کنیم و این نظری که برای مستخدمین در این قانون در نظر گرفته شده خودش شرط مستقلی است و هیچ لازم نیست ملحق بماده دیگری باشد بنده هیچ مانع و معطوری نمی بینم و خیلی حیفم می آید که يك چنین موقعی را از دست بدهم
آقای جلیل الملک فرمودند که مستخدمین می خواهند بروند در ادارات مشغول کار بشوند اگر لباس وطنی یا کفش وطنی استعمال کنند یاها ایشان زخم می شود و اسباب زحمت آنها است بنده عرض میکنم يك نظری بردمانی که از صبح تا شام بیل می زنند و چهار فرسخ راه می روند بکنند و به بینند با همان کفش وطنی و با همان لباس وطنی که یاها ایشان مثل پای من است و وطن آنها وطن من و جناب عالی است راه می روند و چهار و اداری و بدبختی می کنند ولی این مستخدم از خانه اش اداره می آید و يك صندلی تشنگ را هم اغفال میکنند و ناظر در اداره می ماند ظهر هم با کمال نزاکت صدای زنگ که بگوشش رسیده رکت کرده می رود نه از میل می کند و بعد از مدتی برمی گردد و چندانی مبارکش جراحت وارد نمی آید و حالا فرض می کنیم و فرض محال هم محال نیست مجبور شد این آقا کرباس بپوشد این عیب نیست بلکه افتخار

ما در این است و باید همیشه این آقا افتخار کند که اولاً مستخدم دولت است و ثانیاً لباس وطن بپوشیده است از این جهت بر سایرین رجحان دارد و هر کس طالب شرف است و می خواهد شرافتمند باشد بایستی مثل من لباس وطن بپوشد اگر مستخدم دولت هم نیست لااقل باین شرافت قائل شود که لباس وطن استعمال کند و بالاخره عرض می کنم که هر طور لباس خوب دیده گران و ارزان در مملکت ما یافت میشود و ما باید کاری بکنیم که اسباب تقلیل واردات در مملکت ما بشود که صرفه بحال ملت و مملکت باشد
مغیر - توجه بفرمائید بنده عرض می کنم هر کس می گوید تمام ایرانیان اگر بخواهند لباس وطن بپوشند کفایت نمی کند اشتباه میکنند برای اینکه سابق چه میکردند احتیاج بعد کفایت میرساند اگر کم است زیادش می کنند اگر خوب نیست دقت کنند تا خوب شود ولی این مسئله امری نیست که قانونی باشد اولاً باید مردم خودشان احساسات پیدا کنند و مملکت خودشان را آباء کنند و صنایع مملکت خودشان را ترقی بدهند تا بنای این مسئله مربوط بقانون استخدام نیست که اگر فرضاً لباس ایرانی بپوشد خوب کاری کند و اگر نباشد بد کاری کند یا با گذر خوب می نویسد اینها هیچ مربوط بقانون استخدام نیست و اگر بنا شود باید يك قانون علیحده بنویسند و تمام را هم نباید منحصر به مستخدمین و کشور کرد و اختصاص بآنها داد و گفت دیگران لازم نیست این يك چیز فطری است و اگر بنا باشد يك همچو قانونی وضع کنند مربوط بقانون استخدام نیست و من يك ماده پیشنهاد کرده ام که الان می - خوانم
(باید پس از انتقاء یکسال از تصویب قانون استخدام عموم وزراء و معاونین آنها و نمایندگان مجلس شورای ملی و مستخدمین دربار سلطنتی و کلیه مستخدمین کشوری و لشکری و قضات و معلمین و کسانی که از مالیه دولت بعنوان شهریه یا مستعمری و غیره چیزی دریافت می دارند غیر منسوجات و منسوجات ایران از کفش و کلاه و عصا و سایر منسوجات استعمال نکنند)
دلیلش هم این است که مستخدمین بول می گیرند اینها هم بیشتر بول می گیرند و بایستی بپوشند
رئیس - آقای حاج شیخ اسدالله (اجازه)
حاج شیخ اسدالله - در هر موقعی که موقع بدست می آید برای خدمت باقتصاد این مملکت آقایان و نمایندگان هوش اینک در آن موقع يك استفاده کرده و يك خدمتی باین مملکت بکنند بقدری در اطراف آن موضوع صحبت میشود که بالاخره اصل موضوع و موقع استفاده از دست می رود و بنده در نظر

دارم چندی بیش از طرف تجار این مملکت که بیشتر استفاده از تجارت خارجی را آنها می کنند خودشان داوطلبانه پیشنهادی بمجلس شورای ملی تقدیم کردند که مجلس تصویب کند آن چیزهایی که فضولات زندگانی است یعنی آن اشیاء تجلی که وارد این مملکت می شود مجلس رأی بدهد که جلوگیری بشود و دیگر این قبیل اشیاء وارد مملکت نشود در آن موقع که این پیشنهاد از طرف تجار رسیده به بنده همین مطلب را تذکر دادم که راپورت آن را به مجلس بیاورند و مجلس این پیشنهادی را که تجار کرده اند تصویب کند اگر آن موقع تصویب شده بود تا کنون بعقیده بنده يك خدمت بزرگی باین مملکت شده بود متأسفانه نمی دانم چه چیز پشت پرده بود (انشاء الله که چیزی نبوده) که این پیشنهاد بچاه و بیل فرو رفت و ما موفق نشدیم که این تصمیم را اتخاذ کنیم حالا آمدم راجع باین پیشنهادی که شده در خصوص يك مطلب ساده که مستخدمین دولتی لباس وطن بپوشند بنده تصور می کردم تمام آقایان با يك خوشوقتی این پیشنهاد را بپذیرند و این پیشنهاد پس از پذیرفته شدن رفت بکمیسیون که کمیسیون هم در این باب نظری بکنند حالاً که بر گشته آقا اظهار می فرمایند بلی موافقت و باید يك تصمیمی اتخاذ کنیم ولی این مربوط بقانون استخدام نیست بنده هم از نقطه نظر فلسفه و قانون گذاری این قضیه را مربوط بقانون استخدام نمی دانم امامی گویم چرا باید پس از انتقاء یکسال از تصویب قانون استخدام عموم وزراء و معاونین آنها و نمایندگان مجلس شورای ملی و مستخدمین دربار سلطنتی و کلیه مستخدمین کشوری و لشکری و قضات و معلمین و کسانی که از مالیه دولت بعنوان شهریه یا مستعمری و غیره چیزی دریافت می دارند غیر منسوجات و منسوجات ایران از کفش و کلاه و عصا و سایر منسوجات استعمال نکنند)
دلیلش هم این است که مستخدمین بول می گیرند اینها هم بیشتر بول می گیرند و بایستی بپوشند
رئیس - آقای حاج شیخ اسدالله (اجازه)
حاج شیخ اسدالله - در هر موقعی که موقع بدست می آید برای خدمت باقتصاد این مملکت آقایان و نمایندگان هوش اینک در آن موقع يك استفاده کرده و يك خدمتی باین مملکت بکنند بقدری در اطراف آن موضوع صحبت میشود که بالاخره اصل موضوع و موقع استفاده از دست می رود و بنده در نظر

را هیچ سنک نمی بینم که در جلوی قانون استخدام بیفتد زیرا یکجمله معدودی از مستخدمین دولت هستند که هم تفتیش آن ها سهل است و هم رسیدگی به آن سهل می باشد و همه قسم ممکن است عملی بشود ولی وقتی که نباشد بگوئیم تمام مستوری بگیرها که چهل هزار نفر میباشند که از آنها يك هده زاید زن و دختر در تهران و خراسان و هرستان و سایر نقاط هستند آیا آنها را دولت میتواند تفتیش کند یا نه ؟

آیا این عملی است ؟ اگر دولت بتواند تفتیش کند و موفق باجرای آن بشود البته کمال آمال و آرزوی بنده است ولی از نقطه نظر اینکه این مسئله عملی نیست و دولت نمی تواند تفتیش کند از این جهت این را عملی نمی دانم و آن پیشنهادی را که در جلسات قبل محل توجه قرار دادند آن را عملی می دانم و تصور می کنم خیلی ساده و سهل باشد و بالاخره این را يك کمکی نسبت به مستخدمین می دانم و يك خدمت بزرگی است که مجلس شورای ملی نسبت به مستخدمین می کند و خود مستخدمین هم عقیده شان غیر از یکجمله معدودی می گوید حتماً کفش ما از اول کارخانه آمریکا یا لندن یا سوئیس باشد ما بقی نوها این عقیده را دارند ولی برای این که در مقابل رقابت و همچشمی که در ادارات معمول است با زحمت زیاد يك البسه تهیه می کنند و بالاخره وقتی که دیدند تمام مستخدمین لباس شان از کفش و کلاه و همهمه و سایر چیزها از منسوجات وطنی است طبعا از آن ترتیبات و رقابت ها چشم می پوشند

عرض کردم همه چیز باید وطنی باشد حتی همامه و معین که در عدله یا سایر ادارات هستند باید همامه شان هم وطنی باشد مثلا بنده که در عدلیه کار می کنم همامه هم باید از پارچه بزدی باشد چه هیب دارد که سرم بگذارد ؟

عقیده ام این است پس از اینکه باین پیشنهاد رأی دادیم در عقب این رأی همین طوری که پیشنهاد شده است آن لایحه تجاریرا از کمیسیون فوائد عامه با قوه مقننیه بیرون بکشیم و بیاریم و رأی بدیم بلکه در این آخردوره چهارم مجلس شورای ملی بالاترین خدمت را با اقتصاد این مملکت کرده باشیم چون این يك خدمت بزرگی است هم نسبت به مملکت هم نسبت به ملت

نایب رئیس - آقای شاهزاده محمد هاشم میرزا موافقت؟
محمد هاشم میرزا - بلی موافقم
نایب رئیس - آقای حاج میرزا مرتضی چه طور؟
حاج میرزا مرتضی - موافقم
نایب رئیس - آقای رفعت الدوله (اجازه)

رفعت الدوله - بنده مخالفم
نایب رئیس - بفرمائید
رفعت الدوله - بنده اساساً این مقصود را مقدس می دانم و البته برای مملکت فایده دارد ولی يك شرایطی هم دارد اولاً می خواهم ببینم برای مستخدمین بیچاره چرا باید این انحصار شود اول باید وزراه و کلاه این کار را بکنند بعد مستخدمین دربار سلطنت و هیئت دولت چرا مستخدم بیچاره ابتداء این کار را بکنند اگر بشوایند اینکار را بکنند باید ابتدا دولت کارخانه تهیه کند که اگر مردم محتاج بیوشیدن کرباس شدند همان طور که آقای تدین گفتند می گوید ذریع بیخ قران .

برای این که مسلم است که ناخن نمی تواند مثل ماشین کار کند و این در تمام دنیا ثابت است بجهت چرا برجمی تمهیل بکنیم اول باید ماو کلاه این کار را بکنیم بعد وزراه بکنند بعد مستخدمین بکنند . اگر می خواهید ملاحظه اقتصاد را بکنید امروز سی کرور قند و شکر بمصرف میرسد قند و شکر نخورید خرما و کشمش باجای بشورید تمهید می کنم تمام منسوجات که ایران استعمال می کند بسی کرور برسد پس نباید فقط به مستخدمین تمهیل بکنیم مگر وزراه حقوق نمیگیرند که بگوئیم فقط مستخدمین کرباس بیوشند و بنده این کار را خوب می دانم ولی نه اینکه از طبقه پایین شروع نمایند و باید از طبقه اول که وزراه باشند شروع بشود

محمد هاشم میرزا - فرمایشاتی که آقای جلیل الملك اظهار داشتند خیلی مختصر بود و هیچ اشکالی هم ندارد اولاً این مسئله جزو شرایط نیست و جزو وظایف است و چون وظایف معین می کنند این يك وظیفه است و چون اهمیت داشت از نظامنامه بیرون آورده و جزو قانون محسوب کردیم و این که می فرمایند مربوط به بیخ کدام از مواد و ابواب نیست هیچ منافاتی ندارد و ممکن است اگر بیخ باب است ۶ باب شود و جزو باب ششم نوشته شود و شرط نشده است که حتماً این قانون يك حد معین داشته باشد اما پیشنهادی که آقای زنجانی نمودند و فرمایشاتی نمودند و فرمایشاتی که در این زمینه آقای رفعت الدوله فرمودند که باید اول وزراه و کلاه بیوشند عرض می کنم اثبات شیخی نفی ماعد نمی کند مگر امروز مستخدمین دولت لباس نمی پوشند معنی آن این است که وزراه و کلاه و اعضای دربار بیوشند

آقایانی که اینجاست پیشنهاد بکنند و مطابق سایر طرحهای قانون بکمسیون بفرستند و بعد از آنکه در مجلس شورای ملی و کسانیکه از مالیه دوات بعنوان شهری به مستوری و غیره ها چیزی دریافت می دارند مصنوعات و منسوجات ایران از کفش و کلاه و همامه و سایر ملبوبات استعمال نکنند ارزش دارد

بسیار خوب این ماده رجوع شد بکمسیون استخدام هر چه دقت کردیم و خواستیم همه یکی از ابواب قانون استخدام ضمیمه کنیم دیدیم هیچ مربوط نمی شود برای اینکه قانون استخدام هیچ مربوط به لباس نیست و اگر از نقطه نظر اقتصادی خواهیم بنویسید آقای رفعت الدوله بسیار خوب فرمودند که خوب است يك ماده هم وضع کنیم که مستخدمین ادارات قند و چای نغورند و روغن صندلی نه نشینند و سوارا را کون نشوند پیاده راه بروند اینها هیچ مربوط به قانون استخدام نیست .

از مستخدم اداره صحت عمل و درستی می خواهند تمهیل و مطالب اخلاقی اقتصادی انحصار به مستخدم ندارد ولی يك مسئله عمومی است حالا فرضاً هم که بشوایند این را اختصاص باهضاه ادارات بدهید باین ترتیبی که نوشته شده است که مستخدم باید در اوقات کار لباسش از پارچه وطنی باشد هر وقت می خواهد اداره برود آنرا می پوشد و ممکن است باین طریق آن یکدست لباسی را ده سال هم نگاهدارد برای اینکه آزادی اشخاص را که نمی شود از دستشان گرفت اما آدمی سر این مسئله که میفرمایند حضرت و الاحرفشان فریب است و میفرمایند این مسئله راجع به حب الوطن است بسیار خوب مگر کسی در اصل و هویدین امته داخلی اشکال دارد که جناب عالی این فرمایش را می فرمایند این مسئله را که شما می فرمائید امروز در تمام دنیا ثابت شد که میگویند تمام دنیا وطن است اصلاً موضوع ندارد و این مسئله هیچ مربوط با این مطلب نبود اما راجع به ملبوس می فرمائید مادر کمیسیون در این پیشنهاد دقت کردیم و دیدیم ابتدا مناسبت به قانون استخدام ندارد و چون ما می خواهیم حتی المقدور این قانون استخدام را سهل الاجرا قرار دهیم و آنوقت در این ماده قید شده است : که بعد از یکسال از تصویب قانون استخدام عموم وزراه و معاونین آنها و نمایندگان مجلس و کلیه مستخدمین و غیره غیر منسوجات و منسوجات ایران استعمال نکنند بسیار خوب جزء فرایض است اگر اینکار را نکردند جزو کدام درجه از درجات تقصیرات . . .

آقای سید فاضل - نظامه معین می کند .
سلیمان میرزا - خیلی خوب نظامنامه معین میکند در بدو ورود خدمت يك شخصی را که می خواهید قبول کنید يك تمهیل کرده خیلی عالی که مثلاً شما دارید چنانچه ابتدا می خواهید تصدیقنامه او را ببینند باید او را لغت بکنید که به بیند لباس او پارچه وطنی هست یا نه . . .

آقای سید فاضل - مقصود لباسهایی که در زیر می پوشند نیست .
سلیمان میرزا - اینجا ملبوس بطور مطلق نوشته شده است بنابراین حق دارم

که بگویم باید همانطوری که حمام میروند لغت شود و يك انگلی به بند و مفتش بیاید ببیند آیا این پارچه اش وطنی است یا بافت بز است یا کرمان و این مسئله در هیچ جا سابقه ندارد و ابتدا مربوط به قانون نیست مستخدمی را که برای دولت لازم است از او کار و درستی و صحت عمل و انجام وظیفه می خواهند چطور می شود مستخدمی را که سی تومان حقوق می دهند . . .

یک نفر از نمایندگان - سیصد تومان هم حقوق بگیر هستند .
سلیمان میرزا - یا سیصد تومان حقوق بمدر کل بدهند یا بیستی اینها این شرایط را داشته باشند آن کسی که ماهی پنج هزار تومان حقوق می گیرد آزاد و به میل خودش باشد پس اگر شما از راه فلسفه ترقی صنعت و ترویج امته داخلی می خواهید اینکار را بکنید باید يك طرح قانونی پیشنهاد کنید که عموم اشخاصی که از خزانه دولت استفاده می کنند باید ملبوس وطنی بیوشند و آقای زنجانی این پیشنهاد را کردند و جزو قانون استخدام نباید باشد و این يك ماده واحد باید باشد و وقتی که مستخدم بخصوص اینرا کمیسیون همی نداشت حضرت و الاحرفشان فریب است و میفرمایند این مسئله راجع به حب الوطن است بسیار خوب مگر کسی در اصل و هویدین امته داخلی اشکال دارد که جناب عالی این فرمایش را می فرمایند این مسئله را که شما می فرمائید امروز در تمام دنیا ثابت شد که میگویند تمام دنیا وطن است اصلاً موضوع ندارد و این مسئله هیچ مربوط با این مطلب نبود اما راجع به ملبوس می فرمائید مادر کمیسیون در این پیشنهاد دقت کردیم و دیدیم ابتدا مناسبت به قانون استخدام ندارد و چون ما می خواهیم حتی المقدور این قانون استخدام را سهل الاجرا قرار دهیم و آنوقت در این ماده قید شده است : که بعد از یکسال از تصویب قانون استخدام عموم وزراه و معاونین آنها و نمایندگان مجلس و کلیه مستخدمین و غیره غیر منسوجات و منسوجات ایران استعمال نکنند بسیار خوب جزء فرایض است اگر اینکار را نکردند جزو کدام درجه از درجات تقصیرات . . .

آقای سید فاضل - همین فردا .
سلیمان میرزا - بسیار خوب همه حاضریم ؟
سلیمان میرزا - بسیار خوب بنده همین اشخاصی را که فرمودند حاضریم به بینم در برج دیگر همین آقای آقای سید فاضل این کار را می کنند یا خیر . . .

آقای سید فاضل - همین فردا .
سلیمان میرزا - ولی اگر بغواهییم این ماده العاقبه را ضمیمه بقانون استخدام کنیم آن وقت هر مستخدمی که زحمت کشیده با این ترتیب ممکن است وزیر او را خارج کند و بگوید برخلاف ماده این قانون رفتار کرده است و اگر هم از او سؤال کنیم می گوید در روز که آمد با اداره کفش برقی یا گروه بود بنابراین مطابق ماده العاقبه قانون دستش را گرفتیم و از اداره خارج کردیم .
بنده هم که میشنوم نبوده ام که به بینم

حق میگوید یا نه ؟
این است که بنده عرض می کنم این ماده عملی نیست بنابراین این با گفتن اینکه سنک جلو ترویج متاع داخله میکنند ما که طرف مقابل هستیم از میدان در نمیرویم و اصطلاح امروز هونی شویم مستخدمین ادارات را نمی شود در فشار گذارد و باین ترتیب نمی شود حقوق مستخدمین را تا همین گردو به همین جهت بود که در جواب آقای حاج شیخ اسدالله عرض کردم شما سنک جلو قانون استخدام می گذارید و باین ماده قانون استخدام را بکنی لغو میکنید و برای یک نفر مستخدم دیگر حقوق استخدام باقی نمی گذارند زیرا این ماده مستخدم تمام کارهای خدمات را با اختیار وزیر او گذار میکند در صورتیکه ما قانون استخدام را برای این می خواهیم که اختیارات وزیر را محدود کنیم که اشخاص نالایق وارد نکنند و اشخاص لایق را بدون تمهیل خارج ننمایند و برای این است که کمیسیون با این ماده مخالف است که می گوید قانون می دهد دست وزیر که هر ساعتی که می خواهد پسر هموی خود را بیورد در عرض فوراً بوجوب يك راپورت مفتش يك نفر دیگر را باسم این کس در اداریش لباس وطنی نبوده خارج نماید آن وقت چه می توان گفت ؟ وقتی هم که از وزیر سؤال کردیم جواب می دهد مطابق قانون عمل شده تازه اجرای قانون کرده است و مثل سایر قوانین این ماده که برله خودش میباشد زود اجرا می کنند بنا بر این این ماده برای فایده مستخدمین نیست بلکه بر ضرر مستخدمین است این ماده را که آقایان می فرمایند روح قانون است خیر چنین نیست این ماده گذشته تمام اعضاء ادارات است این ماده بوزراه اختیار می دهد که بیل فعال مایشانی هر که را می خواهند از ادارات خارج کنند حالا می خواهید این مطلب را تصدیق کنید من دفاع می کنم و اگر تصدیق کنید مثل سایر رأی هائی است که برخلاف داده اند .

آقای سید فاضل - رأی هائی که داده ایم خوب بود .
سلیمان میرزا - بنابراین محتاج باین حرارتهای نیست و تاریخ زندگانی هر کس در خارج هست و عرض می کنم به همشیر وطن پرستی و وطن پرستی سلیمان میرزا موثی فرق نخواهد کرد . . .

آقای سید فاضل - همه وطن پرستیم
سلیمان میرزا - اگر وطن پرست نبودیم اینجا چکاری کردیم بنابراین عرض می کنم اظهار و اثبات وطن پرستی و گفتن حب الوطن جواب حرفهای بنده نمی شود که ما را قانع کند ولی در اصل قضیه بنده و سایر مخالفین موافقیم ولی بطور عملی چنانکه اگر در روزنامه های تربیت مرحوم ذکا الملک را آقایان مطالعه فرموده باشند در آنوقت این پیشنهاد را داده بود که يك ترتیبی برای پارچه های وطنی بدهند و یکی از

اشخاصی که موافق بود بنده بودم ولی از راه عملی و آنجا مقاله مفصلی نوشته بودم و ترتیب نمایشگاه وطن (ا کسپوزیسیون) نوشته بودم و در ضمن هم نوشته بودم اول اعلیحضرت همایونی و اعضاء درباریان لباس وطنی خریدند و پوشیدند و در سلام نقل فرمودند که من امروز لباس وطن خودم را پوشیدم و امروز روز سعادت خود می دانم بنابراین همه باید تأسی کنند همه مردم بیچاره در نطق اعلیحضرت اینطور شنیده بود و آن بافنده پارچه هم اظهار نموده بود که من این پارچه ها را بهترین پارچه ها دیدم و از برای ملبوس اعلیحضرت انتخاب کردم و آن بیچاره خوشبخت در خواب دیده بود که بعد از یکسال همه مردم تأسی کرده اند و منسوجات و صنایع داخلی ترقی کرده است

دیدم بغواب خوش که بدستم بیاله بود تمهیل رفت و کار بدولت حواله بود اگر بغواهییم این مسئله عملی بشود باید ابتداء از دولت شروع کرده و بعد ما و کلا بیوشیم تا دیگران هم با تأسی کرده و آنها هم بیوشند و الا کسی که صبح خرما خورده نمی تواند دیگران را از خوردن خرما منع کند و در اینصورت عرض می کنم خوب است آقایان مخالفین در صورتی که نیست آنها هم عوض اینکه مخالفت میکنند مساعدت نمایند که ابتداء از قانون استخدام خارج شده و يك ماده واحد متعلق جامع الاطرافی پیشنهاد بشود که همه ما با اتفاق آراء در آن رأی بدیم که کم اثرش بیشتر و هم متمن منسوجات وطن ترویج باید زیرا توسط پنج شش هزار نفر اعضاء ادارات که آنها را مجبور کنیم حتماً لباس وطن بیوشند آنطور که ما می خواهیم منسوجات وطن ترویج پیدا نمی کنند ولی اگر آقایان مساعدت بفرمایند يك ماده مستقلاً در این باب پیشنهاد شود که عموم اشخاصی که از صندوق دولت استفاده می کنند باید تا یکسال دیگر لباس وطنی بیوشند و البته این ترتیب خیلی بهتر و عملی تر و منسوجات وطن را بیشتر ترویج می کند خوب حالا این از نقطه نظر اقتصادی این پیشنهاد بهتر است یا آن پیشنهادی که فرموده اند . البته این بهتر است و مقصود آقایان را بعد کمال می رساند و آن مطالب را که بنده خیال میکنم و سوء ظن دارم آنها را هم رفع می کند در مملکتی که مدعی العموم را که مصون از تعرض است با نوك یا از عدلیه خارجش می کنند در آن مملکت ثباتش را نمی توان هر دقیقه خارج کرد . پس در يك مملکتی که مدعی العموم را که حکم قاضی است عذر بشوایند . . .

نصرت الدوله - قاضی نیست
سلیمان میرزا - ولو اینکه حق

افشای که موافق بود بنده بودم ولی از راه عملی و آنجا مقاله مفصلی نوشته بودم و ترتیب نمایشگاه وطن (ا کسپوزیسیون) نوشته بودم و در ضمن هم نوشته بودم اول اعلیحضرت همایونی و اعضاء درباریان لباس وطنی خریدند و پوشیدند و در سلام نقل فرمودند که من امروز لباس وطن خودم را پوشیدم و امروز روز سعادت خود می دانم بنابراین همه باید تأسی کنند همه مردم بیچاره در نطق اعلیحضرت اینطور شنیده بود و آن بافنده پارچه هم اظهار نموده بود که من این پارچه ها را بهترین پارچه ها دیدم و از برای ملبوس اعلیحضرت انتخاب کردم و آن بیچاره خوشبخت در خواب دیده بود که بعد از یکسال همه مردم تأسی کرده اند و منسوجات و صنایع داخلی ترقی کرده است

دیدم بغواب خوش که بدستم بیاله بود تمهیل رفت و کار بدولت حواله بود اگر بغواهییم این مسئله عملی بشود باید ابتداء از دولت شروع کرده و بعد ما و کلا بیوشیم تا دیگران هم با تأسی کرده و آنها هم بیوشند و الا کسی که صبح خرما خورده نمی تواند دیگران را از خوردن خرما منع کند و در اینصورت عرض می کنم خوب است آقایان مخالفین در صورتی که نیست آنها هم عوض اینکه مخالفت میکنند مساعدت نمایند که ابتداء از قانون استخدام خارج شده و يك ماده واحد متعلق جامع الاطرافی پیشنهاد بشود که همه ما با اتفاق آراء در آن رأی بدیم که کم اثرش بیشتر و هم متمن منسوجات وطن ترویج باید زیرا توسط پنج شش هزار نفر اعضاء ادارات که آنها را مجبور کنیم حتماً لباس وطن بیوشند آنطور که ما می خواهیم منسوجات وطن ترویج پیدا نمی کنند ولی اگر آقایان مساعدت بفرمایند يك ماده مستقلاً در این باب پیشنهاد شود که عموم اشخاصی که از صندوق دولت استفاده می کنند باید تا یکسال دیگر لباس وطنی بیوشند و البته این ترتیب خیلی بهتر و عملی تر و منسوجات وطن را بیشتر ترویج می کند خوب حالا این از نقطه نظر اقتصادی این پیشنهاد بهتر است یا آن پیشنهادی که فرموده اند . البته این بهتر است و مقصود آقایان را بعد کمال می رساند و آن مطالب را که بنده خیال میکنم و سوء ظن دارم آنها را هم رفع می کند در مملکتی که مدعی العموم را که مصون از تعرض است با نوك یا از عدلیه خارجش می کنند در آن مملکت ثباتش را نمی توان هر دقیقه خارج کرد . پس در يك مملکتی که مدعی العموم را که حکم قاضی است عذر بشوایند . . .

نصرت الدوله - قاضی نیست
سلیمان میرزا - ولو اینکه حق

افشای که موافق بود بنده بودم ولی از راه عملی و آنجا مقاله مفصلی نوشته بودم و ترتیب نمایشگاه وطن (ا کسپوزیسیون) نوشته بودم و در ضمن هم نوشته بودم اول اعلیحضرت همایونی و اعضاء درباریان لباس وطنی خریدند و پوشیدند و در سلام نقل فرمودند که من امروز لباس وطن خودم را پوشیدم و امروز روز سعادت خود می دانم بنابراین همه باید تأسی کنند همه مردم بیچاره در نطق اعلیحضرت اینطور شنیده بود و آن بافنده پارچه هم اظهار نموده بود که من این پارچه ها را بهترین پارچه ها دیدم و از برای ملبوس اعلیحضرت انتخاب کردم و آن بیچاره خوشبخت در خواب دیده بود که بعد از یکسال همه مردم تأسی کرده اند و منسوجات و صنایع داخلی ترقی کرده است

نصرت الدوله - قاضی نیست
سلیمان میرزا - ولو اینکه حق

افشای که موافق بود بنده بودم ولی از راه عملی و آنجا مقاله مفصلی نوشته بودم و ترتیب نمایشگاه وطن (ا کسپوزیسیون) نوشته بودم و در ضمن هم نوشته بودم اول اعلیحضرت همایونی و اعضاء درباریان لباس وطنی خریدند و پوشیدند و در سلام نقل فرمودند که من امروز لباس وطن خودم را پوشیدم و امروز روز سعادت خود می دانم بنابراین همه باید تأسی کنند همه مردم بیچاره در نطق اعلیحضرت اینطور شنیده بود و آن بافنده پارچه هم اظهار نموده بود که من این پارچه ها را بهترین پارچه ها دیدم و از برای ملبوس اعلیحضرت انتخاب کردم و آن بیچاره خوشبخت در خواب دیده بود که بعد از یکسال همه مردم تأسی کرده اند و منسوجات و صنایع داخلی ترقی کرده است

دیدم بغواب خوش که بدستم بیاله بود تمهیل رفت و کار بدولت حواله بود اگر بغواهییم این مسئله عملی بشود باید ابتداء از دولت شروع کرده و بعد ما و کلا بیوشیم تا دیگران هم با تأسی کرده و آنها هم بیوشند و الا کسی که صبح خرما خورده نمی تواند دیگران را از خوردن خرما منع کند و در اینصورت عرض می کنم خوب است آقایان مخالفین در صورتی که نیست آنها هم عوض اینکه مخالفت میکنند مساعدت نمایند که ابتداء از قانون استخدام خارج شده و يك ماده واحد متعلق جامع الاطرافی پیشنهاد بشود که همه ما با اتفاق آراء در آن رأی بدیم که کم اثرش بیشتر و هم متمن منسوجات وطن ترویج باید زیرا توسط پنج شش هزار نفر اعضاء ادارات که آنها را مجبور کنیم حتماً لباس وطن بیوشند آنطور که ما می خواهیم منسوجات وطن ترویج پیدا نمی کنند ولی اگر آقایان مساعدت بفرمایند يك ماده مستقلاً در این باب پیشنهاد شود که عموم اشخاصی که از صندوق دولت استفاده می کنند باید تا یکسال دیگر لباس وطنی بیوشند و البته این ترتیب خیلی بهتر و عملی تر و منسوجات وطن را بیشتر ترویج می کند خوب حالا این از نقطه نظر اقتصادی این پیشنهاد بهتر است یا آن پیشنهادی که فرموده اند . البته این بهتر است و مقصود آقایان را بعد کمال می رساند و آن مطالب را که بنده خیال میکنم و سوء ظن دارم آنها را هم رفع می کند در مملکتی که مدعی العموم را که مصون از تعرض است با نوك یا از عدلیه خارجش می کنند در آن مملکت ثباتش را نمی توان هر دقیقه خارج کرد . پس در يك مملکتی که مدعی العموم را که حکم قاضی است عذر بشوایند . . .

نصرت الدوله - قاضی نیست
سلیمان میرزا - ولو اینکه حق

افشای که موافق بود بنده بودم ولی از راه عملی و آنجا مقاله مفصلی نوشته بودم و ترتیب نمایشگاه وطن (ا کسپوزیسیون) نوشته بودم و در ضمن هم نوشته بودم اول اعلیحضرت همایونی و اعضاء درباریان لباس وطنی خریدند و پوشیدند و در سلام نقل فرمودند که من امروز لباس وطن خودم را پوشیدم و امروز روز سعادت خود می دانم بنابراین همه باید تأسی کنند همه مردم بیچاره در نطق اعلیحضرت اینطور شنیده بود و آن بافنده پارچه هم اظهار نموده بود که من این پارچه ها را بهترین پارچه ها دیدم و از برای ملبوس اعلیحضرت انتخاب کردم و آن بیچاره خوشبخت در خواب دیده بود که بعد از یکسال همه مردم تأسی کرده اند و منسوجات و صنایع داخلی ترقی کرده است

نصرت الدوله - قاضی نیست
سلیمان میرزا - ولو اینکه حق